info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا

شماره ۱۸۱۷
چهارشنبه / ۱۸ فروردین / ۱۴۰۰
۲۴ / شعبان / ۱۴۴۲
07 / April / 2021

صاحب‌امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، برج ماه گستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۸-۲۲۵۲۳۲۳۳-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

باشعرای کرج

بدرقه

من از تو و از عشق دروغین گله مندم
از بس که پر از رنج و پر از غصه و دردم

هرچه نوشتم به پای توگذاشتم
پاینده تو گشتم به هر لحظه و هر دم

یک سال تو را خواستم و هرگز تو ندیدی
دنبال تو بودم به دور تو بگردم

افسوس از آن گرمی دستان و تب من
افسوس از آن شوق که چنین آتشی سردم

با این که مراخون به جگر کرده ای اما
با بوسه ی گرمی تو را بدرقه کردم

جوادسمنگانی

یادداشت

علیه تقلیل معنای رضایتمندی

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، بحث درباره رضایتمندی از زندگی، این روزها بسیار رایج شده مثل گفت‌وگو درباره معنای زندگی مباحثی هم که در این زمینه صورت می‌گیرد عمدتا صبغه روشنفکرانه فردی و زیست شناختی دارد و کمتر به وجود فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن توجه می‌شود مثل نوشته مفصل حاضر در صفحه پیش‌رو که در آن، نویسنده در بحث از ارتباط رضایتمندی انسان‌ها در مراحل مختلف عمر صرفا با آوردن نمونه‌هایی از زندگی افراد مختلف و تعمیم ویژگی‌ها و شرایط زندگی آنها یا با ارایه شواهدی از مطالعات «علمی» و زیست شناختی می‌کوشد توضیحی برای علل و عوامل رضایتمندی و عدم رضایتمندی ارایه کند با از داده‌های آماری بهره می‌گیرد.

در نسخه‌هایی هم که برای بحث رضایتمندی ارایه می‌شود، باز بر انتخاب‌ها و گزینش‌های فردی و آگاهانه تاکید می‌شود برای نمونه یکی از اهل نظر در ایران با استفاده از مباحث روانشناختی میان دو مقوله «موفقیت» و «رضایت» تمایز گذاشته و اولی را امری بیرونی و ناظر به کسب مطلوب‌های اجتماعی فردی یعنی ثروت، شهرت، شأن یا حیثیت اجتماعی، قدرت، علم مدرسی، محبوبیت و ـ می‌داند، در حالی که به عقیده او رضایت امری درونی و ناظر به کسب مطلوب‌های فردی درونی مثل آرامش، آشتی با خود و ـ است. او با این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که اهل موفقیت با اهل رضایت متفاوتند، زیرا اهل موفقیت مدام در حال مقایسه خود با دیگرانند و در نتیجه همیشه در حال رقابت یا مسابقه با آنها هستند، در حالی که اهل رضایت، خود را با خود مقایسه می‌کنند و بیشتر اهل مراقبه و درون نگری‌اند تا جایی که به تکنک افراد مربوط می‌شود. بحث‌هایی از این دست و ارایه توصیه‌هایی از این قبیل، جذاب و احتمالا راهگشا و مفید است. امر مغفول در این میان، بحث از شرایط عمومی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی لازم برای پدید آمدن رضایت یا موفقیت است. در وهله نخست به نظر می‌رسد که بحث از رضایتمندی از زندگی، به معنای درونی یا در ربط و نسبت با مراحل سن و سال، محصول دوران مدرن و پیامدهای آن است و مهم‌ترین گواه این ادعا نیز آنکه هر چه جامعه مدرن‌تر باشد، شیوع بحث‌هایی از این قبیل نیز بیشتر می‌شود.

توضیح آنکه، در بحث از مدرنیته و جامعه مدرن، نباید تن‌ها به امکانات رفاهی و دستاوردهای مادی دنیای مدرن توجه کرد. قطعا جوامع مدرن، از نظر مادی و اقتصادی، رفاه بیشتری دارند و در نتیجه دغدغه‌های افراد برای نیازهای ضروری و اولیه‌شان کمتر است و فرصت بیشتری برای درون‌نگری و تامل در شرایط زندگی خود می‌یابند. افرادی که بام تا شام، گرفتار تامین حوایج مادی خود و خانواده‌شان هستند، چنان دغدغه‌مند ضروریات و نیازهای اولیه هستند که زمان و توان بازاندیشی در رضایتمندی نمی‌یابند. البته این تعمیم همیشه و همه جا درست نیست و بالاخره پرمشغله‌ترین افراد نیز دقیقه‌ها و ثانیه‌ها برای تامل در این باره می‌یابند که آیا از زندگی راضی هستند یا خیر.

در بحث از شرایط عمومی امکان طرح بحث از رضایتمندی، غیر از رفاه مادی باید به خصلت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی- فلسفی و سیاسی- اجتماعی جامعه مدرن نیز اندیشید. جهان مدرن در مقایسه با عصر پیش از آن، باورهای متافیزیکی دستخوش دگرگونی‌های اساسی شده و اصولا بسیاری برای توضیح مدرنیته بیش از اشاره به عناصر مادی بر همین تحولات ایدها و افکار تاکید دارند. تغییر در باورهای متافیزیکی، آشکارا معنا و مفهوم رضایتمندی را نیز دگرسان می‌کند، برای نمونه باور یا عدم باور به ماورا، در توضیح هستی تاثیری جدی در معنای رضایت برای فرد فرد جامعه و کلیت آن دارد. رضایتمندی برای فردی که هستی را با عناصری متعال توضیح می‌دهد یا فردی که تاثیر از امری درون‌مادگار است، متفاوت است. این باورهای متافیزیکی، امری فردی نیستند. کوتاه سخن آنکه تقلیل معنای رضایتمندی در رویکردهای روانشناسانه فردی یا رهیافت‌های علمی، گمراه‌کننده است و ذهن را از توجه به شرایط عمومی و جمعی آن غافل می‌کند. امری که به نوبه خود موجب ارایه دستورالعمل‌های بی‌فایده و در عین حال دهان پرکن می‌شود. راحل‌هایی ساده‌انگارانه که به‌رغم صرف هزینه و وقت فراوان، عمر آدمیان را تلف می‌کند و نتیجه چندانی برای ایشان در بر ندارد. اگر عواقب و پیامدهای ناگواری نداشته باشد.

محسن آزموده

کتبت قصهٔ شوقی و مدعی باکی
بیا که بی تو به جان آمدم ز غمناکی
بسا که گفته‌ام از شوق با دو دیده خود
ایا منازل سلمی فاین سلماک

ای شاخه‌ی شکوفه‌ی بادام
خوب آمدی؛ سلام

شفیعی کدکنی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۱۸	۰۶:۴۶	۱۳:۰۸	۱۹:۳۲	۱۹:۴۹

می توان حقیقتی را دوست نداشت، اما نمی توان منکر آن شد.

روسو

خبر

گوگل و آمازون به دور کاری پایان می‌دهند

گوگل اعلام کرد برخی از کارمندانش در آمریکا می‌توانند از ماه جاری به محل کار خود بازگردند. آمازون نیز اعلام کرده در تابستان تعدادی از کارمندان در محل کار حاضر خواهند شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دیلی میل، گوگل روز چهارشنبه اعلام کرده است دفاترش با ظرفیت محدود بازگشایی خواهند شد و برخی از کارمندان آمریکایی این شرکت می‌توانند در ماه جاری به دفاتر کاری خود بازگردند. این درحالی است که در زمان شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ شرکت‌های بزرگ فناوری از جمله گوگل زودتر از بقیه کارمندان را به خانه‌هایشان فرستادند تا دورکاری کنند. طبق بیانیه گوگل بازگشت به محل کار در ماه آوریل الزامی نیست و تمام کارمندان ملزم نیستند تا قبل از یکم سپتامبر ۲۰۲۱ میلادی به محل کار خود بازگردند. هنوز مشخص نیست چه تعداد کارمند اجازه حضور در دفاتر گوگل را دارند. اما پیش‌بینی می‌شود کارمندان باید سه روز در هفته در محل کار حاضر شوند. طبق گزارش شبکه خبری سی‌ان‌بی‌سی پس از تاریخ یک سپتامبر اگر کارمندان بخواهند بیش از ۱۴ روز در سال دورکاری کنند، باید درخواست خود را ارائه کنند.

از سوی دیگر آمازون نیز دستورالعمل جدیدی برای بازگشت کارمندانش به محل کار ارائه کرده است. این شرکت در یادداشتی به کارمندان اعلام کرد احتمالا در تابستان امسال برخی از کارمندان این شرکت به دفاتر کاری برمی‌گردند. تعداد بیشتری از کارمندان نیز احتمالا در پاییز در دفاتر کاری حضور خواهند یافت. در یادداشت این شرکت تاکید شده است که بازگشت کارمندان به محل کار یک فرآیند تدریجی است و زمان‌بندی آن در هر کشور با توجه به میزان ابتلا و واکسیناسیون متغیر خواهد بود.

تلنگر

آیا بالاخره به شرایط نرمال کاری برمی گردیم؟

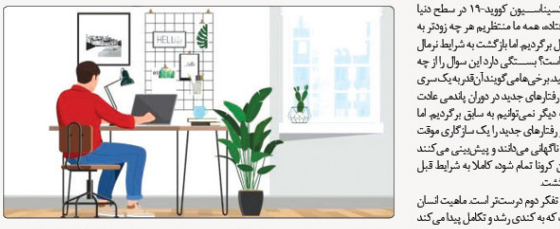

حالا که واکسیناسیون کووید-۱۹ در سطح دنیا روی روال افتاده همه ما منتظریم هر چه زودتر به شرایط نرمال برگردیم اما بازگشت به شرایط نرمال که شکلی است؟ بستگی دارد این سؤال را از چه کسی بپرسید. برخی‌ها می‌گویند آن قدر به یک سری رویکردها و فعالیت‌های جدید در دوران پاندمی عادت کردیم که دیگر نمی‌توانیم به سابق برگردیم. اما برخی دیگر رفتارهای جدید را یک سازگاری موقت با شوکی ناگهانی می‌دانند و پیش‌بینی می‌کنند وقتی بحران کرونا تمام شود کاملا به شرایط قبل بازخواهیم گشت.

به نظر من، تفکر دوم درست‌تر است. ماهیت انسان طوری است که به کندی رشد و تکامل پیدا می‌کند و نیازهای اولیه اجتماعی و روانی ما تغییری نکرده است. با این حال، باز هم می‌توان گفت خیلی چیزها بعد از پشت‌سر گذاشتن کووید به شرایط نرمال برنمی‌گردد. منطق من بر تکنه پساماندهای مغناطیسی استوار است که اول در فیزیک مطرح شد سپس اقتصاددان‌ها از آن استفاده کردند. معنای آن این است که اگر یک تغییر بر یک سیستم با دور کردن نیرویی که در مرحله اول بر آن سیستم وارد کرده بودید، از بین نمی‌رود. به‌عنوان مثال، وقتی میدان مغناطیسی که بر یک تکه آهن وارد شده از بین می‌رود، آهن تا حدی مغناطیسی باقی می‌ماند. سیستم به‌طور ناگهانی از شوک خارج نمی‌شود و یک تغییر مقاد گار و حتی ذاتی در آن باقی می‌ماند.

چهار دلیل وجود دارد که باعث می‌شود هر چیزی هیچ‌وقت به شرایط نرمال برنگردد.

۱- تنظیمات ساختاری اقتصاددانانی که اولین بار از اصطلاح پساماند مغناطیسی استفاده کردند به این نتیجه رسیدند که حتی بعد از بازگشت از یک رکود بزرگ، نرخ بیکاری نسبت به دوران قبل از رکود همچنان بالا می‌ماند. این اثر بلندمدت، به‌واسطه فاکتورهای متعددی مثل از بین رفتن مهارت‌ها، عدم تمایل به سرمایه‌گذاری و هزینه‌های تعدیل بازسازی‌ها به‌وجود می‌آید.

در اقتصاد امروز، ریسک پساماندهای مغناطیسی ساختاری کاملا واضح است. اگر خردەفروش‌ها و شرکت‌های خدمات مشتاری و مسافرتی در حال ورشکستگی باشند، هزینه‌های بازسازی آنها بسیار زیاد و اثر آن بر جوامع ماندگار خواهد بود. به همین دلیل است که در برخی کشورها، دولت‌ها مجبور به مداخله شده‌اند تا این نوع کسب‌وکارها را نجات دهند. اما حتی با وجود این طرح‌های نجات‌دهنده، برخی کسب‌وکارها محکوم به فنا هستند؛ همان‌طور که پرندهای معروفی مثل دینهلمز و آرکادیا در انگلستان و نیمن مارکوس و جی‌سی‌پنی در آمریکا، چنین سرنوشتی پیدا کردند. پساماندهای مغناطیسی را می‌توان کم کرد، اما نمی‌توان حذف کرد.

۲- تغییرات در رفتار مصرف‌کننده از وقتی پاندمی شروع شده تغییرات مشهودی در رفتار مصرف‌کننده ایجاد شده و با اینکه برخی از این تغییرات موقتی هستند، اما برخی دیگر احتمالا ماندگار خواهند بود. چون کارآمد (خرید آنلاین) یا لذت‌بخش (استریم فیلم)هستند.

مطمئنا این تغییرات بخشی از یک انقلاب دیجیتال گسترده‌تر هستند که ۲۰ سال است در جریان است و اینکه گفته می‌شود پاندمی باعث شده رفتارهای جدیدی برای خرید کردن و مصرف شکل بگیرد، کاملا درست است. اما باید تاکید کرد که نیروی محرک این رفتارهای جدید عمدتا از طرف عرضه بازار آمد. به‌عنوان مثال، دانشگاه‌ها همیشه اصرار داشتند کلاس‌ها به‌صورت حضوری برگزار شوند یا جلسات کاری حتما باید با حضور همه اعضا برگزار شوند. اما آنها خیلی زود فهمیدند جایگزین‌های آنلاین می‌توانند آنها را انجام دهند. اما این احتمال زیاد است که این روش‌های جدید بعد از پاندمی به‌طور کامل به روال سابق برنگردد. اتفاقی که باید می‌افتاد، افتاده به نظر می‌رسد. در خیلی از بخش‌ها شاهد دنیای دوگانه فیزیکی-دیجیتال باشیم. به‌عنوان مثال، می‌توان یکسری کلاس‌های تئوری و پایه دانشگاه‌ها را به‌صورت آنلاین برگزار کرد و فقط برای دوره‌های پیشرفته یا عملی از دانشجوها خواست در کلاس حضور داشته باشند.

۳- تغییرات در رفتار محیط کار. تغییر ناگهانی به سوی کار مجازی برای کارمندان دفتری سالق، اتفاق مهیج و از روی انتظار یا تقاضا نبود. حالا ما به درک خوبی از اثربخشی این امتحان اجتماعی بزرگ رسیده‌ایم. بیشتر ما با دورکاری به اندازه قبل بهره‌ور هستیم و توانایی ما برای انجام کارها، به‌ویژه وظایفی که به راحتی قابل بخش‌بندی شدن هستند، افزایش پیدا کرده و فرصت‌ها برای یادگیری آنلاین فراوانند.

۴- قوانین و مقررات دولتی. در نهایت، این سوال مطرح می‌شود که قوانین و مقررات دولتی چطور مسائل را بعد از پاندمی تغییر خواهد داد؟ همان‌طور که قبلا هم اشاره شد، اولین وظیفه اقتصادی دولت‌ها این بود که کل سیستم را از فروپاشی نجات دهند و بعد از اینکه این مشکل حل شد وظیفه بعدی آنها این است که روش‌هایی برای تامین هزینه مداخلات خود پیدا کنند که می‌تواند شامل بالا بردن مالیات‌ها و قوانین سختگیرانه‌تر در هزینه‌های عمومی برای سال‌های آینده باشد.

البته حوزه‌های دیگری هم وجود دارد که مانع بازگشت به شرایط نرمال می‌شود. یکی از آنها عدم تمایل به برداشتن قوانین جدید است. همان‌طور که تا هواپیما توقف کامل نکند، چراغ بستن کمربند خاموش نمی‌شود، می‌توان انتظار داشت برخی قوانین مربوط به حفظ فاصله اجتماعی و سفر، تا چند ماه یا حتی چند سال بعد از رفع کامل خطر پاندمی ادامه داشته باشد.

همچنین نشانه‌هایی وجود دارد که برخی دولت‌ها از پاندمی به‌عنوان روزنه فرصت استفاده کردند تا قوانینی ایجاد کنند که قبلا با مقاومت مواجه بود. مثلا شهرهایی مثل پاریس و مادرید، مسیرهای جدید دوچرخه‌سواری ایجاد کردند. کاهش قابل توجه مصرف انرژی در دوران پاندمی، به‌طور خاص کشورهای اتحادیه اروپا را برای تعیین اهداف جاطلبانه‌تر مبنی بر کاهش انتشار کربن، تشویق کرد.

مترجم: مریم رضایی

دیدگاه

فرهیختگی در محیط مردمی از هیچ چیز تا همه چیز

معرفی و نقد کتاب تهران: فرهیختگی در محیط مردمی در چرچویی کاملا قوم موسیقی شناختی (ethnomusicology) ارائه شده است. مؤلف کتاب از معدود نویسندگانی است که برای تمام موسیقی ها به‌عنوان پدیدارهایی قابل‌شناخت اعتبار قائل است. از موسیقی دانمجو و دستگاهی گرفته تا رسالههای کهن و موسیقی کوچه و بازار. درواقع فاطمی متعصب نیست و این بسیار ارزشمند است.

تنها فردی که می تواند به بررسی دقیق و علمی کتاب فرهیختگی در محیط مردمی بپردازد کسی نیست جز خود نویسنده؛ ما عجالتا نخستین خوانندگان این پژوهش هستیم و بالطبع جمع بندی های مان چیزی فراتر از اثر فاطمی نخواهد بود. در واقع نگاه ما منوط به چستارهای فاطمی است و برای همین امکان محک زدن و نقد علمی اثر را ندارید. در نتیجه می توان گفت که نقش اصلی بسیاری از تلاش های فاطمی نه امروز که در آینده مشخص خواهد شد.

فاطمی فقط یک مطالعه گر جدی نیست بلکه او صاحب نگرش و نظر است و از دل یک هیچ نابودشده ی بفراموشی‌رفته یک مفهوم تاریخی -اجتماعی بیرون کشیده و آن را تئوریزه کرده است. به کار بردن کلمات دهان‌پرکن تاریخ و اجتماع گرافه نیست. نیمه ی دوم کتاب فرهیختگی در محیط مردمی او یک بررسی موشکافانه ی تاریخی در باب فتوت و جوانمردی و ریشه های تاریخی غزل خوان هاست. در بخش های متعددی از کتاب نیز به وفور می توان بررسی های موشکافانه ی جامعه شناختی فاطمی را مشاهده کرد بخش موسیقایی مطلب هم که آظهر من الشمس است.

فاطمی چگونه از هیچ همه چیز می سازد؟ ما پس از خواندن کتاب فرهیختگی متعجب می شویم از این که آخر چگونه می شود که یک موزیسین سال های سال وقت شان را البته لای قشرای بگذارند که دیگر محلی از اعراب ندارند. انگار مجسمه هایی هستند آویخته از میخ ها و گیره های یک موزه ی علمیم؟ همه ی ما باراز فلان خوانده و یا بهمان لات محل چیزکی آوازمانده شنیده ایم و یا حتی خودمان گاهی به بازی و مسخره بازی صدا در گلو لداخته و مددی ول لبی به خواندن غزلی تر کرده ایم. حرصه قابل توجهی از ما در هر قشری که باشیم، تابه‌حال اصطلاح غزل خوانی را نشنیده ایم. درحالی که همگی ما به صورت عملی با این مفهوم آشنایی داریم و این بسیار جالب است.

فرهیختگی در محیط مردمی از چهار فصل تشکیل شده به‌علاوه ی یک مقدمه و یک جمع بندی. فصل اول با عنوان «افسانه زدایی از یک آواز» تلاشی برای مشخص کردن مرزهاست: ارائه ی تصویر آغازین و دقیق از موضوعی که قرار است بیش از سیصد صفحه ما را با خود درگیر کند. فصل دوم با عنوان «مولفه ها و ویژگی های ادبی و موسیقایی غزل خوانی»، با دو زیر فصل (کلام غزل خوانی/موسیقی غزل خوانی) به نوع اشعار و موسیقی به کار رفته در غزل خوانی می‌پردازد. به‌بیژه در زیرفصل دوم با عنوان «موسیقی غزل خوانی» است که ما به شکلی خیلی ملموس متوجه جریان ها و پیشینه و پسینه ی غزل خوانی می شویم. فصل سوم با عنوان «یک قشر فرهنگی بر تنافتی» با سه زیرفصل خود(دلش ها و لوطی ها/فتوت و جوان مردی/از جوان مردان قدیم تا دلش های معاصر) یک بررسی موشکافانه ی تاریخی است جهت کشف و فهم ریشه ها و اجداد این قشر. و فصل آخر با عنوان «جایگاه غزل خوانی و بسترهای اجرای آن» با پنج زیرفصل (فرهیختگی علیه/از تکیه تا حرافت/زور خانه/ترنبازی/گروی کشور) با بررسی شاهدمثل های فراوان، متن را به آخر می رساند. همراه کتاب یک لوح صوتی تصویری بسیار ارزشمند هم موجود است که در آن می توان برخی شاهدمثل های مذکور در کتاب را پیگیری کرد. مثل مجلس گروی کبوتر، و یا مجلس ترنبازی در یکی از قهوه خانه های جاده ی ولیان.

دکتر رضا راهنی، شاعر منتقد و نویسنده در مقاله ای در تعریف جایگاه جلال آل احمد این طور گفته است که جلال نسل ش را قلم خوش خویش گرد تا بتواند از آن بالا گستره ی اطراف و گذشته را از منظری دیگر و بهتر ببیند(نقل به مضمون). آیا مامی توانیم چنین عبارتی را در سایتش سلمان فاطمی بزنیم؟ من سکوت می کنم تا پیش از بررسی های لازم، نظری گرافه نداده باشم. به هر حال باید تک تک گزاره های هر حکمی به محک نقد زده شده، از آتش سیاوشی پالوده بیرون بیاید تا سخن چیزی جز فعله گی واژگان باشد.

من کار فاطمی را به یک دانشمند تشبیه می کنم انسان بی نگرش، محتاج دیده شدن است و توان صبری دصاله ای برای بررسی یک محتوای مرده را ندارد ولی دانشمند توهمات خود را به محیط و پدیدارها تحمیل نمی کند او پس از مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات، شروع به آزمودن کرده، فرضیه می‌پردازد و در آنها با توجه به همه‌ی دانشمندهای شن مطلبی می نویسد. فرآیند کار فاطمی دقیقا همین طور است. او سال ها علاقه‌شان را اقتدای کنازه گرفته از جامعه نشست و برخاست کرده، به انواع جاها و کتاب ها محفل ها ذقان گالارد در میدان شوش تا مجلس گروی کبوتر در فلان محله و قهوه خانه سرک کشیده و نیز مجلدات قطور آثار کهن اعم از سبک عیار و قلیوس نامه و انواع فتوت نامه را بررسی کرده است و بعد به فرضیه سازی و نوشتن مطلب رسیده. میدان پژوهش او بسیار گسترده بوده است. یک نگاه به فهرست منابع فارسی و لاتین علت طولانی بودن مدت پژوهش را مشخص می کند این حجم از داده برای عبور از فیلترهای دقیق و علمی ذهن فاطمی و سپس تبدیل شدن به یک نظریه ی شسته رفته ی جامع و مانع به زمانی طولانی نیاز دارد. این نوع رویکرد، کار کسی نیست مگر فردی که صاحب نگرش و بینش علمی است. فاطمی مثل یک دانشمند دوران ساز، نظام کهن را بر هم می ریزد و نظام تازه ای را جایگزین می کند. او نخست نظام معقول تکراری در علم موسیقی را از اعتبار می‌اندازد و با معرفی مفاهیم نو، موسیقی ایرانی را به شکل تازه‌ای معرفی می کند. نظم علمی تازه در گام دوم به مرزهای موسیقی شناسی محدود نمی ماند و نظام تازه ی اجتماعی آفریده می‌شود. لذا هاش متدی‌ها کفتریزه‌ها در کار فاطمی از طبقات فرودست بالا کشیده می‌شوند و چهره شان با شمایل حلاطان گمنام و فروتن سنت های فرهنگی ایرانی تطهیر می شود.

پس بی راه نیست که ما قدّ و قامت او را میان جمعیت موسیقی‌دان و پژوهشگر، بر فراز می‌بینیم: ترفرازندی میان انبوه باشندگان، که بی‌مزدومنت راهنمای نسل های سرگشته ی پس از خود شده البته نباید از یاد برد که فضاوت نهایی با تاریخ و آیندگان است. تنها پس از محک آنان است که مشخص می شود اشاره ی فاطمی، اخلاف ش را به کدام گره برده و طلایی که او با خیرگی اش در رگه های کلی تاریخ جسته و استخراج کرده، چه عیاری دارد.

سلمان فاطمی یک شاگرد معدود کسانی است که توانسته کفه ی حوزه ی پژوهش و نظریه پردازی را در برابر خیل عظیم مشتاقان نوازندگی و آهنگسازی همچنان سنگین نگه دارد. آیا موسیقی ما بدون سلمان فاطمی به مسیری دیگر می رفت؟ نمی دانیم اما می دانیم که بی او این موسیقی بسیاری از ارزش های فعلی اش را از دست می داد اما کدام ارزش ها؟!

کسانی که مقاله ی «خرم و موسیقی ایرانی» (ماهور ۳۶) فاطمی را نخوانده اند هنوز بر این گمان اند که رنگ و چهارمضراب و پیش درآمد شکل های موسیقایی ما هستند در برابر متلاقرم سمفونی در غرب یا مثلا بیایید از آن بالا گوشه ی چشمی بیندازیم به آلبوم سرخاه(۱۳۸۹) آیا شک داریم که این آلبوم یکی از مهم ترین آبشخورهای جریان موسیقایی موسوم به نئوکلاسیک است؟ البته یک جریان یک شبه و یا یک اثر شکل نمی گیرد اصولا چنین جریان هایی از چندین سال قبل و به اشکال مختلف شروع به نمود و نما کرده. سپس در هیأت یک یا چند اثر همزمان، به صورت عینی آغاز به حیات می کنند. کما این که آلبوم شوق نامه مرست یک سال پس از آلبوم سرخاه، و آلبوم آلبوم عجمار کمی بعدتر، و استفاده از موسیقی عبدالقادر در تیتراژ سریال امام علی چند سال قبل تر از آن، و نیز آماده سازی های اولیه ی آلبوم «مرآمد دوم» از زان دورنگ(آلبوم در ۲۰۱۲) همگی نشان از نئو و نمای رویکردهایی متفاوت به رسالات کهن دارد.

این رویکردهای رساله شناختی در سال های پیش از انقلاب نیز وجود داشت، اما در آن زمان به علت حضور بُتان نوازنده و آهنگساز، مجالی برای کاربردی کردن آن دریافت‌ها وجود نداشت. تا شهناز و شهنازی سه تار صبا و عبادی و آواز ادیب و تاج مجالی باقی نمی گذاشتند تا کسی از چکیده ی این رویکردها طرّفی ببرند. آن هم نه طرّفی صرفاً در تجربهٔ جهت سازی، که برعکس، بازگشتی که سویه اش رو به آینده است و خروج از محاق اما حالا با غروب بتان و بر پی تنگنایی که متألف تار بر ریشه ی موسیقی مان تنیده به ناگاه چندین حرکت هنرمان، گرچه با اهدافی متفاوت، باز به سراغ میراث مکتوب می روند تا هر کدام سهم خود را از آن بردارند. اما در مورد شکل و شمایل کتابه می توان پیشنهادی داد و آن این که ترتیب فعلی کتاب که از جزء به کل است، می شد که برعکس باشد، یعنی از کل به جزء؛ ابتدا پیشینه و سپس خردشدن موضوع تا رسیدن به اصل. با این حال، ترتیب فعلی کتاب نیز خرابِ گیرنده ی زاویه ی دیدی مؤلف است و می تواند قابل تأمل باشد.

دکتر سلمان فاطمی هم اکنون استادیار گروه موسیقی دانشکده ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. کتاب فرهیختگی در محیط مردمی با عنوان فرعی «نزل خوانی تهرانی و بسترهای فرهنگی-اجتماعی آن» توسط مؤسسه ی فرهنگی-هنری ماهور در هزار نسخه و با قیمت هشتادهزار تومان منتشر شده است.

حسن فرامرزی

جویندگان عاطفه (۰۲۶ ۳۲۵۴۰۰۹۹) روابط عمومی اداره کل بهزیستی البرز)

اینجا بهشت کودکان است! شاید دیوارهای رنگارنگی دارد و کودکان لباس های شیک و اسباب بازیهای خوبی دارند و می خندند اما... آغوش مادر و دستان نوازشگر پدر را گم کرده اند. در عمق چشمان مربیان شیرخوارگاه بهزیستی استان البرز غم موج می زند و همیشه چشم انتظارند مادر و پدر یکی از این کودکان شیرین زبان با دلتنگی به سراغ کوچولوهایشان بروند... برای آنها که از خانواده این کودکان اطلاعی در دست دارند.

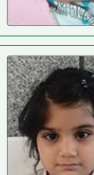

فرزند مهران حدوداً ساله مجهول و ابهوه و رها شده می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۹/۱۲/۱۶ از طریق اورژانس اجتماعی شامل سازمان بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

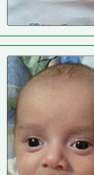

فرزند فرداز در مورخ ۹۹/۱۲/۰۲ متولد و رها شده است و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۹/۱۲/۱۲ از طریق بهزیستی کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

فرزند فریمان در مورخ ۹۹/۱۱/۱۵ در بهزیستان کمالی متولد و بدسرپرست می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۹/۱۲/۰۵ از طریق مددکار بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

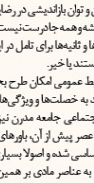

فرزند یاورا در مورخ ۹۹/۱۲/۲۴ در بهزیستان کمالی متولد و رها شده است و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۱ از طریق بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

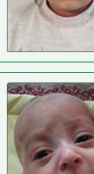

فرزند شهاب در مورخ ۹۹/۱۲/۲۰ متولد و رها شده است و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ از طریق بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

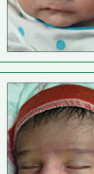

فرزان فریان در مورخ ۹۹/۱۱/۱۵ در بهزیستان کمالی متولد و بدسرپرست می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۹/۱۲/۱۲ از طریق مددکار بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

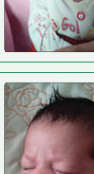

فرزند اسراء در مورخ ۹۳/۰۷/۰۹ متولد و بدسرپرست می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۴ از طریق اورژانس اجتماعی فردیس در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

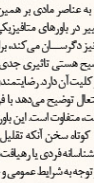

فرزند آتا در مورخ ۹۹/۱۱/۲۵ در بهزیستان کمالی متولد و بدسرپرست می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ از طریق مددکار بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

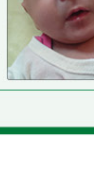

فرزند اقلیس در مورخ ۹۹/۱۰/۲۱ در بهزیستان کمالی متولد و بدسرپرست می باشد و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۹۹/۱۲/۱۲ از طریق مددکار بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

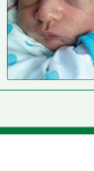

فرزند رهام در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۰۸ متولد و رها شده است و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ از طریق اورژانس اجتماعی نقی آباد در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.

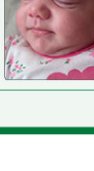

فرزند یاورا در مورخ ۹۹/۱۲/۲۴ در بهزیستان کمالی متولد و رها شده است و به علت نداشتن سرپرست موارد و حسب دستور مقام محترم قضایی در مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۱ از طریق بهزیستان کمالی در بهزیستی پذیرش گردیده است. این آگهی جهت شفایابی والدین و سایر بستگان طفل چاپ شده است. در صورت اطلاع از خانواده وی با شماره ۰۲۶-۳۲۵۱۸۱۸۸ تماس حاصل فرمایید.